

## نقد بیانات اعلیحضرت در تشریف فرمایی

به تورنتو - کانادا ۲۹/۹/۲۰۱۲

### از منشور ۱۴ ماده ای تا منشور ۱۶ ماده ای

بخش نخست

امیرفیض- حقوقدان

هنگامیکه منشور شورای ملی مورد علاقه و حمایت اعلیحضرت در همین شهریورماه سال جاری منتشرگردید یادم آمد که مواد منشور شورای مزبور (واژه منشور را آرمان نامه بخوانید) برایم یک سابقه ذهنی دارد با قدری فکرکردن بیشتر، یادم آمد که موضوع باید مربوط به آرمان نامه های اعلیحضرت باشد و با جستجوی مختصری به آرمان نامه ایشان تحت عنوان «**ایران آینده بسوی یک جامعه آزاد و مترقی**» رسیدم که از سوی سنگر بمناسبت اهمیتی که اعلیحضرت برای آن قائل بودند بصورت جزوه ۱۶ صفحه ای باجلد آبی منتشرشد که اکنون نیز نسخه ای از آن دردسترس است.

نام «فراخوان» که برای آرمان نامه انتخاب شده بود درچهاردهم مرداد سال ۱۳۶۷ (۲۵۲۷ = ۱۹۸۸) در ۱۴ ماده انتشاریافت.

فراخوان اعلیحضرت خطاب به هموطنان عزیزم باعبارت زیر آغازشده بود.

«فراخوان من درچهارم مرداد سال ۱۳۶۷ سرآغاز پیام تازه ای است ومن درآن فراخوان تاکید کردم که هیچکس نمیتواند خودرا قیم مردم بداند وگفتم که حق حاکمیت بر ایران ازان مردم ایران است. آن فراخوان واقدامات بعدی من در بین ایرانیان بازتاب یافت باب تبادل نظر راگشود وزمینة ای فراهم کرد که ما امروزبتوانیم درباره آینده کشوروگامهای عملی لازم برای رهائی ایران و ایجاد یک نظام دموکراتیک درکشور با همدلی بیشترباهم سخن بگوئیم و با احساس ضرورت و فوریت بیشتری به عمل برخیزیم .....

**من به عنوان وارث پادشاهی ایران برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران سوگند یاد کرده ام** و خود راموظف به دفاع از آرمانهای انقلاب مشروطیت میدانم ونظام پادشاهی مشروطه راباتوجه به شرائط تاریخی وگسترده جغرافیای کشور و **تعدد چندگانگی ملی** وگسترش دموکراسی درکشورمیشناسم و به همه هموطنانم میگویم که بحث درباره شکل و عنوان نظام نباید بصورتی مطرح شود که مسئله اصلی ماراتحت الشعاع قراردهد مامیتوانیم و باید تصمیم گیری درباب این موضوع رابه رای مردم ایران ومجلس موسسان موکول کنیم که نوع نظام وقانون اساسی آینده ایران راتعیین وتدوین خواهند کرد ..... (از صفحه نهم ایران آینده)

برای آنکه همه هم میهنانم روشن تر از همیشه بدانند که چه ارمانهایی برای آینده میهن خوددارم و کدام اصول ومبانی کلی را برای نظام آینده ایران ارج میگذارم باردیگر اصول وپایه های نظام حکومتی وخطوط کلی سیاستهای اجتماعی، فرهنگی واقتصادی راکه مدافع آنم بشرح زیراعلام میکنم:

- ۱- نظام سیاسی ایران باید برپایه حاکمیت مردم وحکومت قانون استوارگردد. حکومت باید ناشی از اراده ملت، تابع اکثریت وحافظ حقوق اقلیت باشد.
- ۲- همه مردم دربرابرقانون برابرند .....
- ۳- آزادی های سیاسی بویژه آزادی اندیشه، بیان ونشر عقاید وآزادیتشکیل احزاب وسندیکاها وانجمن ها باید تضمین شود - اصول وموازین مندرج دراعلامیه جهاتی حقوق بشرودیگرمیثاق های حقوق سیاسی ومدنی و اجتماعی وفرهنگی مورد احترام قرارگیرد.
- ۴- دولت وحکومت باید ازدین جدا باشد ..... دراین جدائی آزادی عقیده مذهبی که از حقوق بشری است تضمین خواهد شد.

- ۵- ستمی که بر زنان ایران رفته است باید جبران گردد و برابری آنان با مردان در همه زمینه های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی برسمیت شناخته شود.
- ۶- تفکیک قوای سه گانه حکومتی و نقش فائده قوه مقننه و استقلال قوه قضائیه باید تامین گردد.....
- ۷- استانها و شهرستان ها و دیگر واحدهای تقسیمات کشوری هر یک در حد خود باید برای اداره امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی محلی خویش از حقوق و اختیارات کافی برخوردار باشند ..... مردم هر استان باید بتوانند در حفظ و اشاعه سنن، فرهنگ و زبان بومی **و قومی** خود از آزادیها و حقوق لازم بهره مند گردند بودجه عمومی و عمرانی دولت باید بگونه ای تنظیم شود که مردم سراسر ایران به فرصتها و امکانات برابر و منصفانه برای رشد و رفاه دست یابند.
- ۸- حکومت باید مبارزه جدی و همگانی بابتی سواد و فراهم کردن امکانات مادی و معنوی آموزشی .....  
۹- دانشگاه های ایران باید به استقلال اداری و علمی و پژوهشی دست یابند.....  
۱۰- مردم ایران باید از حق فعالیت و آفرینش هنری و آزادی برخوردار باشند.
- ۱۱- هدف سیاستهای اقتصادی و مالی دولت باید رشد سالم و هماهنگ صنعت و کشاورزی کشور و ایجاد شغل و بهبود محیط زیست و.....  
۱۲- حمایت از خانواده های **شهدا** و معلولین جنگ ..... و استقبال از بازگشت همه ایرانیانی که ناخواسته ترک وطن کرده اند بویژه .....

**حاشیه** - در کتاب زمان انتخاب اعلیحضرت جبران خسارات وارده به ایرانیان از سوی جمهوری اسلامی نیز در تعهد دولت آینده ایران قرار گرفته است. (پایان حاشیه)

- ۱۳- تجهیز ارتش و نیروهای انتظامی برای نگهداری از استقلال و تمامیت ارضی .....
- ۱۴- حفظ تمامیت ارضی و استقلال کشور و منافع ملی باید سرلوحه سیاست خارجی حکومت قرار گیرد -  
استقرار روابط مسالمت آمیز با همه کشورهای جهان بر پایه موازین حقوقی و میثاقهای بین المللی و عدم مداخله در امور کشورهای همسایه و..... از هدفهای این سیاست باشد.

فراخوان اعلیحضرت با عبارات زیر پایان یافته است

..... **بدرک همین ضرورت زمانه** است که من این اصول را با کسانی که فکرمیکنم در نظرگاه کلی بامن هم عقیده اند در میان میگذارم تا بتلاش، تعهد و حمایت آنان، ویشتیبانی بیدریغ خود من، تشکیلات مومن و متعهدی از معتقدان به این اصول پدید آید. «  
(از صفحه ۱۵ ایران آینده)

### مقایسه آرمان نامه ۱۴ ماده ای و منشور! ۱۶ ماده ای

نظربه اینکه بدون تردید خوانندگان محترم این تحریر فراخوان و یامنشور! و یاپیمان! ۱۶ ماده ای منتسب به اعلیحضرت را خوانده اند ذکر آن کاری اضافی و سبب زیادی تحریر میشود.

ملاحظه تطبیقی بین منشور! ۱۶ ماده ای شورای ملی منتسب به اعلیحضرت، با فراخوان ۱۴ ماده ای سال ۱۳۶۷ (۱۹۸۸) ایشان کوچکترین تغییر و یا تحولی را نشان نمیدهد و اگر فراخوان ۱۴ ماده و منشور! شورای ملی ایشان ۱۶ ماده است به این دلیل است که برخی از مواد فراخوان از جمله ماده سوم در منشور! شورای ملی بصورت تفکیکی نوشته شده است.

و اگر در فراخوان موضوع انتخابات آزاد مطرح نشده دلیلش واضح است که خواست حق حاکمیت کلی است که انتخابات آزاد راهم دربرمیگیرد.

اصول کلی فراخوان بامنشور! ملی در کلیات از جمله حاکمیت - رعایت اعلامیه حقوق بشر- جدائی دین از حکومت - استقلال و تمامیت ارضی کشور - و اختیارات استانها و شهرستان ها **و رسمیت دادن به اقوام!** و تعلق حقوق مالی آنها در هر دو فراخوان کاملا هماهنگ است.

تنها تفاوتی که میتوان بین فراخوان ایران آینده اعلیحضرت در سال ۱۳۶۷ و شورای عالی منتسب به ایشان قائل شد متوجه زمان است که اعلیحضرت بنام <درک ضرورت زمان> از آن یاد فرموده اند.

به این توضیح که در سال ۱۳۶۷ فراخوان اعلیحضرت یک ایده مبارزاتی بود برپایه همبستگی که اعلیحضرت سالها بود و هست که برای تحقق آن توصیه میفرمایند.

ولی تشکیل شورای ملی! مورد حمایت و دفاع اعلیحضرت که ۲۴ سال بعد از فراخوان <ایران آینده> تشکیل گردیده و یا میخواهد تشکیل شود بمناسبت هانی است که آن مناسبت ها در سال ۱۳۶۷ وجود نداشته است و آن **خطر جنگ و حمله نظامی به ایران است** که مقدمات آن ایجاب میکند که زمینه های لازم از جهت مشروعیت دادن به حمله نظامی فراهم گردد.

شورای مزبور بمناسبت اینکه خود را متشکل از مخالفان جمهوری اسلامی اعم از مشروطه خواه (نه سلطنت طلبان) و گروه های چپ و غیره میداند و عنوان اپوزیسیون و آلترناتیو هم به خودش داده و از همه مهمتر نماد هویت ملت ایران هم آنرا تائید و حمایت میفرمایند، لذا تنها پایگاهی است که آمریکا از وجود نمایشی آن برای اقدامات مداخله جویانه علیه ایران کسب و جاهت بین المللی! نماید.

البته که، همه ابعاد زمینه های مزبور روشن نیست، ولی آنچه که در لیبی روی داد و در سوریه در جریان است، نشان میدهد که تشکیل شورای ملی از **ضروریات زمان** و اجرای سیاست آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی است چنانکه تشکیل شورای ملی سوریه از **ضروریات دخالت آمریکا** و اسرائیل و کشورهای عرب گماشته آمریکا در امر سوریه بود و هست.

در سال ۱۳۶۷ وزیر خارجه آمریکا نگفته بود که کشورها برای استفاده از کمک آمریکا برای ایجاد دموکراسی (بخوانید برای نوکری آمریکا) باید بصورت شورائی عمل کنند در این سال بود که وزیر خارجه آمریکا [خانم هیلاری کلینتون] شرط قبول نوکری آمریکا را تبعیت از الگوی لیبی و سوریه قرارداد در بهمن ماه سال (۲۵۵۰=۲۰۱۱) ۱۳۹۰ بود که آقای هیگ وزیر خارجه انگلستان گفت <تغییر رژیم ایران در صورتی رخ میدهد که ایرانیها مثل لیبی متحد شوند> یعنی تشکیل شورای ملی بدهند (۵ بهمن ۱۳۹۰ کیهان لندن)

### ارتباط شورای ملی و حمله نظامی آمریکا به ایران

در بیانات اعلیحضرت در اجلاس اخیر تورنتو اشاره است به ارتباط شورایی با حمله نظامی آمریکا به ایران و چنین توجیه شده که تشکیل شورای ملی میتواند از حمله نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران جلوگیری کند.

**نظر مبارک اعلیحضرت کاملا درست است با این توضیح که اگر شورای ملی ایرانیان بتواند خیلی بهتر و با شدت و حدت بیشتر و کشتار و خرابی و آتش زدن و مسلح شدن بوسیله بیگانگان سبب سقوط جمهوری اسلامی بشود یعنی کاری راکه شورایی سوریه تاکنون موفق نشده شورای ملی ایران سر انجام بدهد البته که نیازی به اقدامات نظامی از طرف آمریکا و اسرائیل نخواهد بود مسلم است اگر کاری راکه عمله ای برای کارفرمای خود انجام میدهد اگر خوب و پیشرو باشد نیازی به مداخله کارفرما نیست.**

انجا که اعلیحضرت در بیاناتشان در تورنتو فرموده اند <من میخواهم کشورمان نابود شود> دید کلامشان متوجه حمله نظامی خارجی است که کشور را نابود میکند والا عملیاتی که شورای ملی سوریه انجام میدهد و یا بازوی اجرایی شورای ملی ایران انجام خواهد داد سبب نابودی کشور نمیگردد و **تجزیه کشور هم که سرشاخ شورای ملی سوریه و ایران است** بنظر شوراجزئی از خواست و هدف شورایی است نه نابودی کشور.

**حل مسئله بنظر اعلیحضرت**

این تحریر بنظر ناقص است اگر بعلت سردرگمی و شکست فراخوان ۱۴ ماده ای و نیز تقلاهانی که درسی سال گذشته برای مبارزه رهائی بخش و حتی آغاز آن شده است نگاهی کوتاه نداشته باشد.

اعلیحضرت در مقدمه فراخوان ۱۴ ماده ای بیانی دارند که تصویر منطقی علت شکست و ناکامی رانشان میدهد فرموده اند

«حل هر مسئله ای نخست موکول به شناخت و طرح درست مسئله است. اگر داده های واقعی مسئله ای را به درستی نشناسیم و آنها را در ارتباط باهم و باکلیت شرائط اجتماعی بدرستی مطرح نکنیم هرگز نخواهیم توانست راه حلی برای مسئله بیابیم»  
(صفحه دوم ایران آینده)

راه حل ها، تلاشها و فرمایشات اعلیحضرت باکلیت شرایط اجتماعی و فرهنگ سنتی و باورهای هویتی ایرانیان آشنا نیست و بکل مغایر است و داده های واقعی مسئله ایران که سرمایه اعتباری و اعتمادی نجات ایران است از سوی اعلیحضرت، بدرستی مطرح و استفاده نشده و نمیشود.

اجازه فرمائید نقد بیانات اعلیحضرت در تشریف فرمایی اخیرشان در تورنتو به تحریر آتی موکول شود

ادامه داد....

برای خواندن بخش دویم به اینجا کلیک کنید:

[http://www.1400years.org/AmirFeyz/NaghdBayanatRPToronto-Shora-EntkhAzad\(2\)-AmirFeyz-04Oct2012.pdf](http://www.1400years.org/AmirFeyz/NaghdBayanatRPToronto-Shora-EntkhAzad(2)-AmirFeyz-04Oct2012.pdf)